

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

پیکار پامیر

۲۹.۰۳.۱۰

به آرزوی بهار

آمد بهار و لیک نسیمی نشد وزان
در شام این دیار، و یا در سحرگاهان
یک شاخ پرشگوفه ندیدم به باغ، حیف!
یارب بهار مرده مگر اندرین جهان ؟
هرگز نرسست سبزه نو در کنار جو
یا پر نزد سوی چمن خیل مرغکان
آنجا حدیث فصل بهار و طراوتست
اینجا ولی بهار نباشد کم از خزان
برف است و باد و برگ درختان بی ثمر
نی شور بلبل است و نه بویی ز ارغوان
آن لابه های دلکش دشت و دمن چه شد
یا جلوه های کبک خرامان بامیان ؟
مائیم و این بهار خزان دیده ایدریغ !
چونان غریب بی کس گم کرده آشیان.

هوای وطن

بادی که هوای سر کوی وطن آرد
ایکاش کزان، مشیت غباری به من آرد
یا همچو نشان دل پر داغ و نزار م
برگی ز بر لاله دشت و دمن آرد
گر می گذرد باد صبا از چمن ایکاش
بونی که مرا زنده کند زان چمن آرد
تا دانه ریگ وطنم هست، نخواهم
دزیکه کس از سینه بحر عدن آرد
پرپر زند این مرغ دل هر لحظه که آندوست
نامی ز گلستان وطن بردهن آرد
آن موج نوازشگر باد سر کویش
خوشر ز هواست که مشک ختن آرد
شوری به جهان می فگند نعره ی (پیکار)
کز سینه برون مردم آزرده تن آرد .